

گرمابه‌های روستایی شهرستان زنجان

از منظر قوم‌باستان‌شناسی

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۳/۱۳)

علی نوراللهی^۱

چکیده

بیشتر روستاهای استان زنجان، بویژه شهرستان زنجان در گذشته دارای گرمابه عمومی بوده‌اند، اما امروزه تنها آثار اندکی از این گرمابه‌ها باقی مانده و در چند دهه اخیر با توجه به گسترش حمام‌های خانگی، اغلب آنها کاربرد خود را از دست داده و تخریب شده‌اند. از میان آنها ۱۱ گرمابه مخروبه باقی مانده، جز گرمابه دیزج‌آباد، بقیه در روستاهای کوهستانی و صعب‌العبور قرار دارند. این مقاله با روش میدانی دانش بومی معماری گرمابه‌های روستاهای زنجان را بررسی نموده است و به فرهنگ و آیین‌های مرتبط با حمام‌ها از منظر قوم‌باستان‌شناسی پرداخته است. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد این گرمابه‌ها از مصالحی چون لاشه‌سنگ، کاهگل، گچ و آهک ساخته شده‌اند و آب مورد نیاز آنها جز یک مورد از آب چشمه‌ها تامین می‌شده است. این گرمابه‌ها به لحاظ معماری ساده بوده و تا حدودی تداعی‌کننده شکل اولیه این نوع بناهاست. مالکیت این بناها عام بوده و به صورت همیاری ساخته شده‌اند. به طور کلی، علل ساخت گرمابه‌ها ریشه در سنت‌های بومی و مذهبی منطقه دارد و در بافت روستاهای این منطقه، گرمابه‌ها جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده‌اند؛ چه از نظر مذهب و بهداشت و چه به دلیل آیین‌هایی چون حنابندان، حمام دامادی، حمام زایمان، چله توکمه (حمام چله) و چتیرماخ (تیغ زدن) که در این بناها برگزار می‌شده است.

کلیدواژه‌ها: بافت روستایی، چتیرماخ، چله‌بری، شهرستان زنجان، گرمابه روستایی

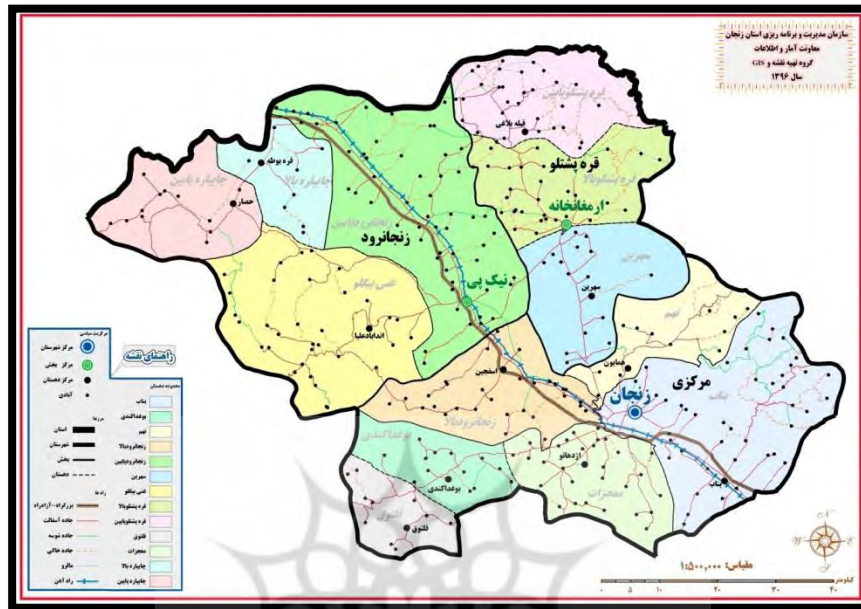
۱. دکترای باستان‌شناسی (نویسنده مسئول) رایانامه: alinorallahy@yahoo.com

شهرستان زنجان یکی از شهرستان‌های هفت‌گانه این استان به مرکزیت شهر زنجان است. دشت و نواحی کوهستانی این شهر که بیش از ۲۵۰ روستا را در خود جای داده است که این روستاها با توجه به شرایط محیط پیرامونی دارای شیوه معیشت کشاورزی، دامداری و باغداری هستند و برخی نیز با شیوه معیشتی ترکیبی از دامداری، کشاورزی و باغداری اداره می‌شوند. این شیوه معیشت که ناشی از همگامی و انطباق‌پذیری روستاییان با زیست‌محیط و بوم منطقه است، بر شکل خانه‌ها و بافت روستایی تاثیر زیادی گذاشته است. علاوه بر این، عوامل دینی - مذهبی و سنت‌ها و آیین‌های موجود در این منطقه، سبب شکل‌گیری بناهای عام‌المنفعه‌ای چون گرمابه‌ها شده است. در این نوشتار ضمن ارائه مقدمه‌ای کوتاه، به بررسی معماری روستایی و سنت‌های حاکم بر آن پرداخته شده، سپس تعدادی از گرمابه‌های روستایی این منطقه، روش اداره آنها و آیین‌ها و سنت‌هایی که در آنها انجام می‌شده، معرفی گردیده است. تاریخچه شکل‌گیری این نوع معماری و نیز وجه انسان‌شناسی و مردم‌شناسی آنها بویژه از نظر همیاری (ساخت، تعمیر، تهیه سوخت و غیره) (حسینی ابری، ۱۳۸۰: ۱۲۳-۱۲۴) و آیین‌های ویژه‌ای که مرتبط با آن، در این روستاها برگزار می‌شده است، بخش دیگری از مباحث این پژوهش است.

محدوده این پژوهش دربرگیرنده شهرستان زنجان است که شامل سه بخش مرکزی، زنجانرود و قره‌پشتلو می‌شود. در این مقاله از شیوه بررسی میدانی گرمابه‌ها و گردآوری مطالبی از آیین‌های مرتبط با آنها و همچنین مطالعات کتابخانه‌ای برای تکمیل داده‌های حاصل از بررسی میدانی استفاده شده است. بطور کلی در این مقاله نگارنده از روش امیک^۱ (دیدگاه و اندیشه مردمان مورد مطالعه) و روش اتیک^۲ (دیدگاه پژوهشگر) که روش‌های رایج در انسان‌شناسی - باستان‌شناسی (قوم‌باستان‌شناسی) هستند، بهره برده است.

1. emic

2. etic



نقشه شماره ۱: شهرستان زنجان به تفکیک بخش‌ها و دهستان‌های آن (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان زنجان ۱۳۹۶).

بیان موضوع

در جوامع روستایی به طور کلی اساس اندیشه و رفتار بر تجارب گذشته استوار است. این تجارب تحت تاثیر عوامل مختلف طبیعی، اقتصادی و اجتماعی محیط زندگی، کم و بیش طی سال‌ها و نسل‌ها به صورت مداوم تکرار می‌شود و در طی زمان، تکامل و تعدیل می‌یابند و به شکل سنت‌های پذیرفته شده درمی‌آیند (حسینی ابری، ۱۳۸۰: ۱۱۷-۱۱۸). بنابراین شکل کلی معماری سنتی روستا از زیست محیط (شکل زمین و امکاناتی که در محیط موجود است) و سنت‌های عامیانه سرچشمه می‌گیرد. سنت عامیانه همان سنت بی‌واسطه و ناخودآگاهی است که در بطن یک فرهنگ مردمی جریان و تداوم دارد و به گونه‌های معنوی و مادی متاثر از نیازها و ارزش‌های مربوط

۴۰ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

به آنها و نیز بر اساس نیازها، خواست‌ها و آرمان‌های آنها و در نهایت به پیروی از رنج‌ها و شادی‌ها و احساس آرامش و امنیت شکل می‌گیرد. معماری ساده و روستایی در قالب این سنت‌ها ادراکی از جهان (زیست‌محیط، روابط متقابل اجتماعی - اقتصادی و مذهب) است که به روشنی می‌توان آن را مشاهده کرد. معماری روستایی و بومی دارای پیوندها و ارتباط‌های مستقیم، بدون واسطه و محکم و استواری با فرهنگ عامه مردم و با زندگی روزمره آنهاست. به طوری که هنگام مشاهده و بررسی و مطالعه این بناها در ابتدا ساده و ابتدایی به نظر می‌رسند، ولی با بررسی دقیق و ژرف روشن می‌شود که این بناها از سوی مردمانی ساخته شده‌اند که از هوش، اندیشه و قدرت اقتصادی بالایی برخوردارند و با بهره‌گیری از توانایی‌های محیط پیرامونی به ساخت بناها و مساکنشان اقدام کرده‌اند و همچنین از همه روابط و دستاوردهای بین خود به صورت همیاری و همفکری در ساختن آنها بهره برده‌اند. در جوامع روستایی، هر یک از افراد از طریق عوامل و نهادهای زندگی اجتماعی، با تمامی گروه پیوند دارد و به همین دلیل می‌تواند به راحتی از دستاوردهای فکری و تجربیات عینی آنها استفاده کند. در این چنین جوامعی هر یک از اعضای فعال گروه توانایی این را دارد که خانه خودش را شخصاً بسازد یا در ساخت آن همپای سایر اعضا مشارکت جدی داشته باشد. به دلیل سنتی بودن جامعه، شکل مسکن که به منزله الگو، مورد پذیرش و قبول همگان است، کمتر دستخوش تحول قرار می‌گیرد و در مقابل تغییرات مقاوم است و دوام می‌آورد. تا زمانی که الگوی مورد نظر، بیشتر الزامات فرهنگی و مناسبات اجتماعی و اقتصادی و غیره را برآورده کند، این مقاومت و تداوم مورد پذیرش جامعه است. همه آنچه به آنها اشاره شد، گویای وجود رابطه مستقیم بین شکل ظاهری مسکن و فرهنگی است که این شکل و بناها در قالب آن به وجود آمده‌اند (حاج ابراهیم زرگر، ۱۳۸۸: ۹). البته بایستی در نظر داشت علاوه بر سنت‌های رایج که در روستا جریان دارد و بر ساختار مسکن و بناهای روستا تاثیرگذار است. نباید از تاثیر زیست‌محیط در شکل‌گیری و ساختار روستا غافل بود؛ این عوامل با هم دارای روابط متقابل و دوسویه‌ای هستند.

سنت‌ها در روستاها دارای الزامات شدید اجتماعی (که از آن به نام فشار اجتماعی نام برده می‌شود) و مورد پذیرش همگان‌اند و همه اعضای روستا (که دارای پیوندهای

گرما به‌های روستایی شهرستان زنجان از منظر قوم‌باستان‌شناسی ❖ ۴۱

خونی و عشیره‌ای و سببی هستند) در طی توافقی مشترک از آن پیروی و آن را رعایت می‌کنند؛ زیرا در این جوامع سنت‌ها ضامن بقا و حفظ تداوم سازمان و نیرو و اقتدار اجتماعی هستند و در واقع اقتدار جمعی نتیجه و برآیند پیروی از سنت‌هاست و همین امر، نظم و سازمان منسجم جامعه روستایی را شکل می‌دهد. می‌توان علت این امر را در روستاها، ناشی از نوعی تلقی و مفهوم مشترک از زندگی جمعی و همگانی دانست که نمود عینی آن در شکل روستا و خانه‌های آن و همچنین روابط متقابل و پیوندهای ساکنان روستا با هم بروز می‌کند. مادام که این سنت‌ها - که تابعی از شرایط محیطی و اجتماعی هستند - کارا، زنده، پویا و دارای تداوم باشند، این نمودهای عینی به زیست خود ادامه می‌دهند و این کالبد به خوبی عمل می‌کند. (همان: ۱۷)

در مجموع این اشکال معماری هم محصول پدیده‌های فنی و پاسخ‌های صوری و مادی به تنگناها و سختی‌های محیط پیرامونی‌اند و هم نشانه‌هایی برای شناخت جایگاه و مقام اشخاص و شاخصه‌های منطقه‌ای و اجتماعی و هم نهادهایی که بیان‌کننده و نشان‌دهنده بخشی از انگاره‌های ذهنی و روحیات و نظام ارزش‌ها هستند. (برومبرژه، ۱۳۷۰: ۱۵۷)

هنگامی که بحث روستا به میان می‌آید، در ذهن بسیاری، مجموعه‌ای از محرومیت‌ها، محدودیت‌ها و کمبود امکانات، به صورت نبود بهداشت و امکانات آموزشی و رفاهی و فقر و تنگدستی، خانه‌های ساده و محدودیت سوخت و انرژی، شکل می‌گیرد که البته با توجه به شرایط حاکم بر جامعه روستایی، تصور چندان اشتباهی نیست و روستاییان به نسبت‌های متفاوت، از امکاناتی که ساکنان شهرها به آن دسترسی دارند، محروم‌اند. (حاج ابراهیم زرگر، ۱۳۸۸: ۱۳)

معماری و ساختار روستا در کل متأثر از عوامل طبیعی (آب و خاک)، عوامل مالکیت (نوع مالکیت)، و عوامل سیاسی (امنیت) است. ولی در مواردی شیوه تولید، تأثیری تعیین‌کننده در شکل روستا و معماری آن داشته است. در واقع می‌توان گفت، ساختار و شکل کالبدی روستا متأثر از شرایط محیطی و اجتماعی - اقتصادی حاکم بر روستاست. در روستاهایی که دامداری اساس تولید است، شکل مسکن متناسب با دامداری است؛ یعنی خانه‌ای با حیاط بزرگ و طویل‌ه برای حفظ دام‌ها از سرمای

۴۲ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

زمستان. گاهی نیز طویله‌ها برای ایجاد گرما در زیر اتاق‌های مسکونی ساخته می‌شوند و انبارهای علوفه و آذوقه در کنار خانه قرار دارند (خسروی، ۱۳۵۸: ۴۸). بافت و شکل روستاها و آبادی‌ها در این منطقه متأثر از وضع اقلیمی و اجتماعی است. بیشتر روستاها در کنار رودخانه‌ها و چشمه‌ها ساخته شده‌اند (همان، ۵). این شرایط سبب شکل‌گیری بافت‌ها و اشکال متنوعی در روستا می‌شود؛ همان‌طور که در مورد روستاهای شهرستان زنجان چون معیشت آنها از راه کشاورزی و دامداری است فضاها نیز بر اساس این نوع معیشت و الزامات آن شکل گرفته‌اند. نگاهی به خانه‌های روستایی این منطقه نشان می‌دهد که هر خانه دارای محل استراحت، اتاق مهمان، محل پخت و پز، محل نگهداری دام‌های کوچک (بز و گوسفند)، محل نگهداری گاو و ورزها، محل نگهداری الاغ، محل نگهداری بره‌ها و بزغاله‌ها، انباری علوفه و انباری غلات و محل نگهداری سوخت زمستانی (که شامل سوخت تهیه شده از فضولات گاوها و بوته‌های صحرایی و چوب) است.

از آنجا که بیشتر روستاهایی که در این نوشتار به آنها اشاره می‌شود، در کنار کشاورزی و باغداری، تعدادی دام (گاو و گوسفند) نیز نگهداری می‌کنند، عموماً زیرزمین خانه‌ها به‌عنوان زاغه مورد استفاده قرار می‌گیرد. یکی از دلایل این امر مسئله حفظ دام‌ها و امنیت آنها بوده است؛ ضمن آنکه با توجه به سرمای شدید منطقه، نگهداری دام‌ها در زاغه‌های زیرزمین خانه سبب گرم شدن کف خانه در زمستان می‌شد. در ساخت این مساکن الگو و نقشه قبلی وجود نداشته بر حسب زمان و الزامات تازه بخش‌هایی به خانه اضافه می‌شده است. ساخت خانه نیز متأثر از محیط و سنت‌ها بوده‌اند؛ به طوری که خانه‌ها در دامنه‌های آفتابگیر و نزدیک چشمه و رودخانه‌ها مکان‌یابی می‌شدند و خانه‌ها منظر و چشم‌اندازی پلکانی شکل داشتند. بنای گرمابه نیز از سنت‌ها و آیین‌های خاص این مناطق الگو گرفته و به سبب پیوندهای اجتماعی به‌صورت جمعی و همیاری، با استفاده از مصالحی که در محیط پیرامونی موجود بوده است، ساخته شده‌اند و تا حدود زیادی می‌توان در بنای گرمابه‌ها همان

۱. varzâ: گاو زراعت. گاوی که زمین را با آن شیار کنند.

گرما به‌های روستایی شهرستان زنجان از منظر قوم‌باستان‌شناسی ❖ ۴۲

الگویی را که در ساخت منازل مسکونی رعایت می‌شده است، مشاهد کرد. با توجه به سنت‌ها و آیین‌های خاص رایج در روستاهای این منطقه، از جمله آیین‌های عروسی و غیره، جایگاه گرما به در این مناطق فراتر از یک بنای معمولی بوده و در رابطه با آن فرهنگ خاصی نیز شکل گرفته است.

عوامل موثر بر شکل روستا و خانه‌های آن

به طور کلی عوامل اصلی در تعیین شکل روستا و جهت خانه‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند: نخست، عامل مذهبی؛ روستاها و خانه‌های اهالی در جهت قبله ساخته شده‌اند. دوم، عوامل طبیعی (شکل زمین و دسترسی به منابع آب) و اقلیمی (جهت وزش بادهای محلی) که در شکل‌گیری بافت و معماری روستایی منطقه زنجان تقریباً تاثیر یکسان دارد. بادهای محلی شهر زنجان را می‌توان چنین برشمرد:

باد مه: این باد در اواخر پاییز و زمستان شروع می‌شود تا اوایل بهار و گاهی تا خرداد ماه یعنی فصل برداشت غلات و حبوبات ادامه می‌یابد. جهت وزش آن از شمال و شمال شرق به جنوب و جنوب غرب است و با خود، سرمای شدید و رطوبت فراوانی از مناطق شمالی‌تر به همراه می‌آورد و سبب یخبندان و افت شدید هوا در اواخر پاییز و زمستان می‌شود و در فصل بهار همراه با رطوبت است.

باد شره^۱: در نواحی شرق زنجان گاهی به آن باد رز هم می‌گویند. جهت وزش آن از جنوب و جنوب غرب به شمال و شمال شرق است. این باد در بهار ابرهای باران‌آور را از نواحی جنوب غرب به این منطقه می‌آورد و در فصل تابستان سبب خشکی و گرمای هوا می‌شود. (نوراللهی، ۱۳۸۹: ۱۹)

برای ممانعت از ورود سرمای ناشی از وزش جریان باد مه که از شمال به جنوب می‌وزد، ورودی خانه‌های روستائیان در جهت مخالف این جریان و پشت به آن ساخته شده‌اند. این موضوع در گرما به‌ها هم رعایت شده است.



تصویر شماره ۱: بافت روستای گلرود و موقعیت گرمابه آن
(منبع: Google Earth)

گرمابه در گذر زمان

بشر از روزی که قدم بر عرصه خاک نهاده، برای زدودن تن از ناپاکی‌ها چاره‌ای اندیشیده است. ادیان الهی نیز که در بسیاری از موارد بر صحت احکام عرفی پای می‌فشرده‌اند، پاک‌کنندگی آب و آتش و خورشید و خاک را پذیرفته و آن را بر پیروان خویش مقرر داشته‌اند. طبیعی‌ترین و سودمندترین عنصری که بشر پیش روی داشته، آب بوده است. آیین شستشو در ایران باستان از سابقه‌ای بس کهن برخوردار است. بنا به اعتقاد اقوام مختلف ساکن در ایران، تطهیر جدا از وجه جسمی، به پالایش روان نیز تعمیم می‌یافته است. از این رو این آیین در مراسم عبادی جایگاهی والا می‌یابد. در ایران از روزگار کهن، شستشو از دو نظر جایگاه والایی داشته است: اول از جهت پاکی جسم و دیگر از نظر پاکی روان. طبق مدارک موجود، سابقه مراسم شستشو در ایران زمین به پیش از زمان زرتشت می‌رسد. به نظر می‌رسد که مهرپرستان برای انجام

گرما به‌های روستایی شهرستان زنجان از منظر قوم‌باستان‌شناسی ❖ ۴۵

مراسم مذهبی می‌بایستی به مدت سه روز و سه شب در فواصل معین غسل کنند تا بتوانند در آیین‌های دینی شرکت جویند (فخاری تهرانی، ۱۳۷۹: ۹۵). آب در این آیین تا آنجا اهمیت داشت که مهرابه‌ها، یعنی عبادتگاه‌هایشان را در جایی می‌ساختند که آب روان از کنار آن بگذرد یا چشمه‌ای در کنار آن قرار داشته باشد (ورجاوند، ۱۳۵۱: ۹۴) (شکل ۱) به این ترتیب یکی از اعتقادات و باورهای آیین مهر، شستشو و گرما به و حمام رفتن به عنوان فریضه‌ای مذهبی بوده است. پیروان این آیین پیش از ورود به مهرابه‌ها و برگزاری آیین‌های دینی به گرما به می‌رفتند و مراسم غسل به جا می‌آوردند و سپس به مهرابه وارد می‌شدند (فخاری تهرانی، ۱۳۷۹: ۹۵). چنانچه در معبد ورجوی مراغه که در دل صخره تراشیده شده، مهرابه در انتها، در کنار جوی آبی ساخته شده است (ورجاوند، ۱۳۵۱: ۹۲-۱۰۰). در آیین مزدیسنا نیز پاکی جسم و روان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و از آن به نام آشویی نام برده شده است. بر اساس این تفکر و اندیشه، وابستگی طهارت جسم و روان از نعمات بزرگ شمرده می‌شده است. به همین دلیل برای دور ساختن آلودگی و گناه همواره شستشو می‌کردند و معابدی برای فرشته و الهه آب - آناهیتا - معابدی بنا کرده بودند. گرچه از تشریفات و چگونگی آن در این معابد اطلاعی در دست نیست، ولی به احتمال قوی مراسم تطهیر با آب در آنجا صورت می‌گرفته است. در آیین زرتشت نیز برای شستشو، قوانین و دستوراتی وجود داشته است؛ از جمله آنکه شستن در آب روان گناه محسوب می‌شده و مومنان پس از بیداری از خواب بایستی سه مرتبه از آرنج تا سر و دست و سپس از پس گوش تا چانه، و از میان سر و نیز پاها تا ساق بشویند و آنگاه مراسم و آیین را به جا آورند. در کارنامه اردشیر بابکان نیز به موضوع شستشوی تن و رفتن به آبن و غسل میت اشاره شده است. بالاخره غسل کودکان برای جشن کستی (کشتی) که بعد از آن به آنها خلعت و سدره می‌پوشاندند. (فخاری تهرانی، ۱۳۷۹: ۹۶)

کاوش‌های صورت گرفته در تخت جمشید استفاده از حمام را در دوره هخامنشی تایید می‌کند. این حمام در مغرب حیاط تجرا^۱ کشف گردید. این بخش با وجودی که

۴۶ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

محوطه کوچکی به ابعاد ۱/۷۵ در ۲/۲۵ متر را شامل می‌شود، دارای دو بخش بیرونی و اندرونی است که با پله کوچکی به هم متصل می‌شوند (تجویدی، ۲۵۳۵: نک شکل‌های ۱۲۰-۱۲۲). کف و دیوارهای این مجموعه از آجر پوشیده شده و در قسمت درونی حمام آجر بزرگی به ابعاد ۵۵×۵۵ سانتیمتر قرار گرفته بود که در وسط آن سوراخی دایره‌ای شکل به قطر تقریبی ۱۸ سانتیمتر ایجاد کرده بودند. گرداگرد این بخش درونی سکویی با آجر ساخته‌اند که هنگام شستشو روی آن می‌نشستند. برای بیرون رفتن آب‌های پس از شستشو چاهکی در زیر آجر سوراخدار ایجاد کرده بودند که آجر سوراخدار کاملاً دهانه این چاهک را می‌پوشانده است. از این حمام، لوازم شستشو، کاسه سفالی و گلابدان نیز به دست آمده است. با توجه به اینکه در نزدیک این حمام و در فاصله میان چهار ستون مرکز اتاق شماره ۵ کاخ تجرا صدف چهارگوشه کوتاه آتشخورده‌ای ساخته شده است، به نظر می‌رسد با در نظر گرفتن حمام پیشگفته که در سوی دیگر حیاط ساخته‌اند، باید آن را مکانی برای شستشویهای تشریفاتی پیش از انجام مراسم دینی پنداشت و چنین تصور می‌شود که شاهنشاه هخامنشی پس از شستشو و به کار بردن عطر و گلاب و مشک و آراستن خویش در کنار این مصطبه^۱، نیایش به جای می‌آورده است (همان، ۱۷۲-۱۷۴). حمام در دوره اشکانی نیز رواج داشته و نمونه‌ای از حمام‌های این دوره از کاوش‌های کاخ آشور در بین‌النهرین کشف شده است (فخاری تهرانی، ۱۳۷۹: ۹۶)؛ بلاش (۴۸۴-۴۸۸ میلادی) از مغان بیزار بود. وی کوشید تا رسم مغان را براندازد و در شهرها گرمابه‌هایی برای استحمام پدید آورد. به دیگر سخن در روزگار پادشاهی بلاش برخورد میان شاه و موبدان آشکار شده بود و شاه راه و رسم مغان را ملغی کرد و برانداخت. یکی از سنت‌شکنی‌های بلاش احداث گرمابه در شهرها بود که از رسم‌ها و سنت‌های رایج و معمول در شهرهای یونانی به شمار می‌رفت. بنای گرمابه در حکم تسامح و تساهل نسبت به شهرنشینان و بخش بزرگی از مردم بود که پیرو آیین زرتشت نبودند. برای این گروه از مردمان، گرمابه سنتی رایج و معمول به شمار می‌رفت و بخشی از زندگی آنان را تشکیل می‌داد. (پیگلسکایا، ۱۳۷۲: ۴۲۶)

۱. سکو، تخت

گرما به‌های روستایی شهرستان زنجان از منظر قوم‌باستان‌شناسی ❖ ۴۷

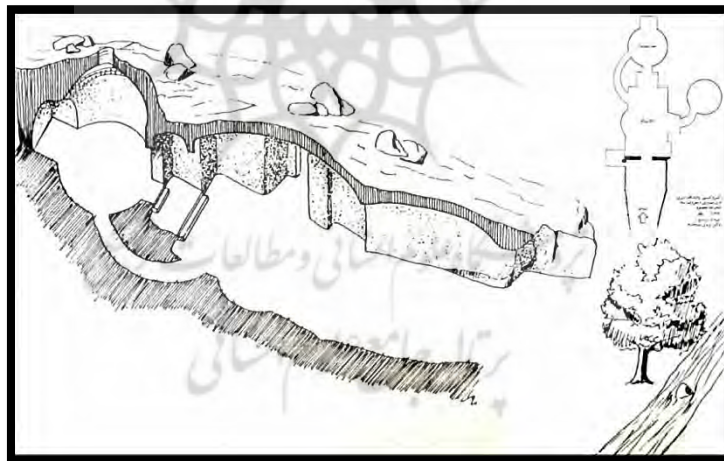
پس از بلاش شاهان دیگر ساسانی از جمله قباد (۴۸۸-۵۳۱ میلادی) و خسرو پرویز (۵۹۰-۶۲۸ میلادی) در ساخت گرما به‌ها حمایت و کوشش زیادی کردند^۱. از دوره ساسانی و پیش از آن آثار اندکی از گرما به‌ها باقی مانده است شرایط خاص این‌گونه بناها که در معرض رطوبت و گرمای دائمی بودند و همچنین جدال‌های مذهبی بین مهرپرستان و زرتشتیان، شاید از دلایل تخریب و از میان رفتن این بناها باشد. احتمالاً همین عوامل سبب شده است که مورخ نامی طبری در کتاب *تاریخ الرسل و الملوک* بنویسد که ایرانی‌ها تا پیش از ورود اسلام حمام نداشتند، در حالی که متون و نوشته‌های تاریخی که به آنها اشاره رفت، خلاف این را نشان می‌دهند. (نک: طبری، ۱۳۸۳)

چنانکه ابن‌اخوه در باب چهل و دوم کتاب *آیین شهرداری* در قرن هفتم می‌نویسد: نقش و نگارهایی که بر در حمام یا اندرون آن است نارواست و باید محو شود. سخن گفتن در گرما به مکروه است و قرآن نباید خواند مگر آنکه نهانی باشد. و در میان عشاءین (میان غروب آفتاب و تاریکی اول شب) و نزدیک غروب به گرما به رفتن مکروه است، زیرا هنگام پراکنده شدن شیاطین است (ابن‌اخوه، ۱۳۶۰: ۱۶۱).

با آمدن دین اسلام به ایران نه تنها از اهمیت حمام کاسته نشد، بلکه با توجه به تاکید اسلام بر پاکی و طهارت، بر اهمیت آن افزوده گردید. غسل‌های واجب و مختلف و وضو گرفتن چند بار در روز از جنبه بهداشتی و مذهبی اهمیت زیادی دارد و نقش مهمی در زندگی روزانه مسلمانان بازی می‌کند. شعار «النظافه من الایمان» سبب بیشتر شدن اهمیت حمام‌های عمومی در شهر و روستا و پیشرفت معماری آن گردید (قرشی، ۱۳۶۷: ۱۹۵). هرچند متشرعان همواره به دیده شک و تردید به حمام می‌نگریستند. اما حمام در دنیای اسلام توسعه بسیاری یافت و جزء جدایی‌ناپذیر مناطق شهری و روستایی و کاروانسراها و بناهای بین‌راهی شد و دارای کاربری‌های متفاوتی چون پزشکی و طبابت، قرنطینه، پیشگیری از بیماری، محل خواب فقرا، نظافت، سلمانی (دلاکی)، محل اجرای جشن‌ها و محلی برای برگزاری آیین‌های مختلف گردید. چنانچه مغولان بعد تسخیر ایران هرچند ابتدا بر اساس باورهایشان ورود به آب را نهی می‌کردند آنان بعد از اسلام آوردن با توصیه‌های

۱. خسرو پرویز نه عدد انگشتی داشت که نگین هر کدام از آنها دارای نقش خاصی بود و برای امور خاصی به کار می‌رفت. انگشت نهم وی آهن بود که هنگام دخول حمام به دست می‌کرد و نگین آبن داشت (مسعودی، ۱۳۷۸: ۲۷۳).

اطرافیان به اهمیت حمام پی برده و در این زمینه دستورات و فرمان‌هایی را مبنی بر گسترش حمام و گرمابه صادر کردند. رشیدالدین فضل‌الله در کتاب تاریخ مبارک غازی ذیل حکایت بیست و هشتم می‌نویسد: پوشیده نیست که احتیاج مردم به حمام و مسجد از ضروریات است و در بعضی ولایات ممالک در دیه‌ها هیچ دو نساخته‌اند. پیش ازین پادشاهان اسلام تدبیر آن نکرده و هر آینه در موضعی که اهل آنجا نماز به جماعت نگذارند و غسل جنابت و تنظیف چنانکه شرطست ایشان را دست ندهد خللی در مسلمانی ایشان بود پادشاه فرمود و یرلیغ^۱ همایون روانه داشت تا در تمامت ممالک در دیه‌ها مسجد و حمام بسازند و آنانکه نساازند مجرم و گناه کار باشند و بقرب دو سال در تمامت ممالک هر کجا نبود ساختند و این زمان از آن حمامات اجرتی تمام حاصل می‌شود و فرمود تا منافع آن در وجه مایحتاج آنجا و مصالح مسجد از عمارت و فرش و زر و نفقه خادم مصروف دارند و به مجرد آنکه این حسن‌التدبیر که فرمود در چندین بقعه ممالک چنین چیزی جاری گشت و شعار اسلام پیدا شد و مردم آسایش و راحت یافتند حق تعالی برکات مثوبات آن ایام همایون در رساناد (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۹۴۰: ۳۲۴-۳۲۵).



شکل شماره ۱: برش و کروکی مهربابه و معبد ورجوی مراغه (ورجاوند، ۱۳۵۱: ۹۴).

گرمابه‌های روستایی مورد مطالعه

گرمابه یحیی‌آباد: این گرمابه در روستای یحیی‌آباد بخش بناب شهرستان زنجان واقع است. این بنا دارای نقشه مستطیلی شکل و تقریباً سالم است که در مرکز روستا ساخته شده است و درب ورودی آن در جنوب غربی بنا قرار دارد که با یک خمیدگی و سه پله به فضای گرمخانه متصل می‌شود. سازندگان بنا به عمد درب ورودی را برای جلوگیری از هدر رفت گرما با توجه به شرایط کوهستانی و سرمای منطقه در فصول سرد، کوتاه و کوچک ساخته‌اند. پلان و نقشه این حمام ساده است و کاربری آن تنها برای رفع نیاز اهالی بوده و فاقد تزئینات معمول حمام‌هاست. به طور کلی، این بنا سه بخش جدا از هم دارد که شامل سربینه، بینه و رخت‌کن و فضای گرمخانه و شستشو و خزینه می‌شود. این بنا و بخش‌های مختلف آن با سه پوشش گنبدی شکل مسقف شده که در بخش فوقانی هر کدام از گنبدها نورگیری برای تامین نور فضای داخلی و تهویه هوا تعبیه گردیده است. بنای مذکور که دارای ابعاد شمالی - جنوبی ۶ متر و شرقی - غربی ۱۲ متر است، از نوع بناهای عام‌المنفعه به شمار می‌رود و در گذشته برای رفاه حال ساکنان روستا و با همت و کوشش اهالی ساخته شده و بنا به گفته معمران، وقف روستا بوده است. آب مورد نیاز برای حمام و خزینه از چشمه‌ای که در حدود ۵۰-۶۰ متری بالادست آن واقع است، تامین می‌شده، به طوری که جریان آب بر خزینه و گرمابه سوار بوده است. با توجه به اینکه این بنا فاقد بخش مجزای زنانه و مردانه بوده، برای استفاده بانوان نوبت‌بندی می‌شده است. مصالح اصلی به کار رفته در ساخت این بنا شامل لاشه‌سنگ و ملاط گچ در دیوارها و در بخش شستشو و گرمخانه آهک بوده که دوام و مقاومت بیشتری در برابر رطوبت داشته است. تون و آتشخانه حمام در قسمت غربی بنا قرار گرفته که آب مورد نیاز آن به وسیله جوی و کانالی از چشمه بالادستی تامین و سپس به خزینه برای استفاده منتقل می‌شده است (تصویر ۲).



تصویر شماره ۲: ورودی گرمابه یحیی آباد. (نگارنده)

گرمابه قلعه: این بنا در شمال شرقی روستای قلعه بخش بناب شهرستان زنجان قرار دارد و امروزه بخش‌های زیادی از آن هنوز سالم مانده است. این بنا با وجود سادگی دارای سربینه و بینه و گرمخانه و تون و آتسخانه است. آب مورد نیاز این گرمابه از چشمه‌ای در بالادست از فاصله ۲۰۰ متری غرب آن تامین می‌شده که به نام چشمه الامانچی معروف است. باتوجه به اینکه گرمابه در شیب ساخته شده، آب چشمه بر حمام سوار است و آب تازه به راحتی و همیشه در دسترس قرار دارد. ضمن آنکه همین شیب موجب می‌شود پساب‌های ناشی از شستشوی بدن استفاده‌کنندگان به بیرون از حمام و چاه‌های حمام سرازیر شود. برای دسترسی راحت همه اهالی روستا، این حمام در مرکز روستا بنا شده است و خانه‌های روستایی در اطراف آن قرار دارند. فضاهای سه‌گانه این بنا یعنی سربینه، بینه و جای شستشو و گرمخانه و خزینه با سه گنبد پوشیده شده‌اند و در بخش فوقانی هرکدام از گنبدها نورگیری برای روشنایی فضای داخل آن قسمت و همچنین برای تهویه هوا تعبیه گردیده است. تون و آتسخانه

گرما به‌های روستایی شهرستان زنجان از منظر قوم‌باستان‌شناسی ❖ ۵۱

در اتاقی سرپوشیده و مجزا از سایر بخش‌های پیشگفته ایجاد شده است که نشان می‌دهد بنا و معمار آن با این وسیله خواسته است از ورود دود و دم ناشی از حرارت آتش به بخش خزینه و گرمخانه که در گذشته عامل اصلی خفگی در حمام‌ها بوده، جلوگیری کند. بنای این گرما به دارای ۴ متر عرض شمالی - جنوبی و ۲۰ متر طول شرقی - غربی است و حدود ۲/۵ تا ۳ متر ارتفاع دارد. در ساخت بنای گرما به مانند خانه‌های روستایی از مصالح بوم‌آورد یعنی لاشه‌سنگ و کاهگل برای دیواره‌ها، و از ملاط گچ و آهک برای پوشش دیوارهای داخلی استفاده شده است. این گرما به مالکیت شخصی نداشته، بلکه با همت جمعی از اهالی به عنوان بنایی عام‌المنفعه ساخته شده است؛ هر چند امروز به عنوان انبار از آن بهره‌برداری می‌شود (تصویر ۳).



تصویر شماره ۳: نمایی از پوشش گرما به قلعه. (آرشیو میراث فرهنگی زنجان)

گرما به روستای دیزج آباد: این گرما به در روستای دیزج آباد بخش بناب شهرستان زنجان قرار دارد و دارای پلان مستطیلی شکل، با بخش‌های بینه، سرینه و گرمخانه است. تون و آتشیخانه گرما به در شمال آن قرار دارد. به طور کلی این بنا دارای سه فضای اصلی است که شامل یک فضای بزرگ با پوشش گنبدی در وسط می‌شود و در طرفین آن دو

فضای کوچک‌تر قرار دارد که از فضای بزرگ مرکزی با یک ورودی مجزا می‌توان به خزینه راه یافت. ورودی این بنا در قسمت جنوب آن واقع است. این بنا دارای مالکیت عمومی است و به عنوان بنایی عام‌المنفعه از سوی اهالی روستای دیزج‌آباد ساخته شده است. از آنجا که این گرمابه مانند سایر حمام‌های روستایی فاقد بخش زنانه است، برای استفاده بانوان نوبت‌بندی می‌شده است. این بنا دارای طول شمالی - جنوبی ۳۰ متر و عرض شرقی - غربی ۱۵ است و آب مورد نیاز آن از چشمه حمام بولاغی در غرب بنای حمام و کاریزی در شمال روستا تامین می‌شده است (تصویر ۴).

این گرمابه که در سالیان اخیر لوله‌کشی شده با مصالح آجری به ابعاد ۵×۲۵×۲۵ سانتیمتر و ملاط گچ و آهک ساخته شده است. از طاقنماها با نوک تیز و طاقچه‌های کوچک در دیوارهای داخلی به عنوان تزئین استفاده کرده‌اند. همچنین در کناره دیواره‌های داخلی سکوهایی برای نشستن وجود دارد. بخش داخلی دیواره‌های گرمابه که در معرض رطوبت قرار دارد، با گچ و آهک پوشانده شده‌اند. برای تامین نور فضای زیر پوشش‌های ضربی و همچنین تهویه هوا در بالای پوشش‌ها، نورگیرهای دایره‌ای تعبیه شده است. این بنا در حال حاضر متروک و در حال تخریب است.



تصویر شماره ۴: ورودی مخروبه گرمابه دیزج‌آباد (آرشیو میراث فرهنگی زنجان)

گرما به‌های روستایی شهرستان زنجان از منظر قوم‌باستان‌شناسی ❖ ۵۳

گرما به طاهرآباد: این گرما به در بخش تهم شهرستان زنجان و در داخل روستای طاهرآباد - که امروزه حدود ۳۰ خانوار جمعیت دارد - قرار دارد و از نوع بناهای عام‌المنفعه با کاربری عمومی است که توسط اهالی روستا ساخته شده است. این بنا از نظر معماری ساده است و از سه فضای مجزا با پوشش گنبدی ساخته شده که شامل خزینه، رختکن، بینه سرینه است، این فضاها از طریق ورودی‌هایی به هم ارتباط دارند و تون و آتشخانه در داخل فضایی جدا از سه فضای پیشگفته در شمال بنا قرار دارد. ورودی گرما به در جنوب غربی بنا قرار دارد و از نظر ابعاد کوچک است که به نظر می‌رسد دلیل آن، جلوگیری از ورود هوای سرد به داخل گرما به باشد (شکل ۵).

این گرما به دارای طول شمالی - جنوبی ۱۲/۵ متر و عرض شرقی - غربی ۶ متر و ارتفاع دیوارهای آن حدود ۲/۵ تا ۳ متر است. برای سوار شدن آب بر خزینه و انتقال پساب‌های ناشی از شستشوی استفاده‌کنندگان، این حمام در شیب ساخته شده و منبع تامین آب آن چشمه‌ای است که در فاصله ۲۵۰ متری شمال آن قرار دارد. این گرما به فاقد بخش مجزا برای زنان است و بنا به گفته اهالی در گذشته نوبت‌بندی می‌شده است.

مصالح استفاده شده در ساخت این بنا بوم‌آورد بوده و شامل لاشه‌سنگ و کاهگل برای ساخت دیواره‌ها و پوشش سقف بوده و برای پوشش و اندود دیواره‌های داخلی از گچ و آهک استفاده شده است.



تصویر شماره ۵: نمایی از آتشخانه و گرما به طاهرآباد (آرشیو میراث فرهنگی زنجان).

گرمابه گلهرود: این گرمابه در میان روستای گلهرود بخش تهم در شمال شهرستان زنجان و در ۲۴ کیلومتری شمال غرب شهر زنجان واقع است. این بنا از نوع بناهای عام‌المنفعه بوده و از سوی اهالی ساخته شده است. نقشه بنای گرمابه، مستطیلی‌شکل و ورودی آن در غرب بنا واقع است. بر اساس کتیبه کوچکی که در کنار این ورودی نصب شده، معمار و سازنده این بنا شخصی به نام یعقوب عطایی بوده که در سال ۱۳۳۶ هجری قمری آن را بنا کرده است. این شخص علاوه بر حمام یک آسیاب آبی نیز در این روستا ساخته که امروزه ویران شده است. بنای حمام دارای عرض شمالی - جنوبی ۶ متر و طول شرقی - غربی ۱۵ متر و با ارتفاع ۲/۵ متر است. این بنا ورودی بینه و سربینه و خزینه و گرمخانه دارد و به طور کلی دارای دو فضای اصلی است که سقف آنها با طاق‌های گنبدی پوشیده شده و به وسیله ورودی‌هایی به هم ارتباط دارند. خزینه این حمام در سالیان اخیر تخریب شده و به جای آن سرویس بهداشتی ایجاد کرده‌اند. بنای امامزاده هاشم در شرق این حمام و در ۲۰۰ متری جنوب روستای گلهرود زنجان بر روی تپه‌ای طبیعی، داخل قبرستان قدیمی قرار دارد (تصویر ۶).

آب مورد نیاز برای این گرمابه از چشمه‌ای که در حدود ۱۵۰ متری غرب حمام قرار دارد و در محل به نام یوخاری بولاغ^۱ شناخته می‌شود، تامین می‌گردد. آب این چشمه در گذشته به وسیله کانال یا تنبوشه‌ها به گرمابه و خزینه آن منتقل می‌شده است. در کل، حمام در شیب ملایمی بنا شده تا جریان آب چشمه بر خزینه و حمام سوار باشد و همچنین بتواند پساب‌ها را به راحتی به فضای بیرون گرمابه منتقل کند.

برای تامین نور و همچنین تهویه هوای داخل گرمابه در بالای طاق‌های گنبدی‌شکل، نورگیرها و دریچه‌هایی تعبیه شده است. مصالح ساخت این بنا شامل لاشه‌سنگ و ملاط گچ و آهک و همچنین آجر است. برای پوشش سطوح داخلی دیوارها که در معرض رطوبت قرار داشته‌اند نیز از اندود آهک و گچ استفاده کرده‌اند. به دلیل اینکه امروزه خانه‌های این روستا هر کدام دارای حمام خانگی است، این حمام متروک شده و به محلی برای تجمع زباله روستا تبدیل گردیده است.

۱. yuxâri bulâq: چشمه بالای

گرما به‌های روستایی شهرستان زنجان از منظر قوم‌باستان‌شناسی ❖ ۵۵

با توجه به اینکه گورستان روستا در ضلع جنوبی این گرما به قرار دارد، به نظر می‌رسد در گذشته علاوه بر کاربری گرما به، در برخی مواقع به عنوان غسالخانه نیز مورد استفاده قرار می‌گرفته یا حداقل دارای فضایی جنبی به عنوان غسالخانه بوده است.



تصویر شماره ۶: نمایی از گرما به گلرود (آرشیو میراث فرهنگی زنجان).

گرما به همایون: بنای گرما به همایون در میان روستای همایون بخش تهم از توابع شهرستان زنجان و در شمال غرب آن واقع شده است. این بنا از نوع بناهای عام‌المنفعه است که از سوی اهالی در مرکز روستا ساخته شده، به طوری که خانه‌های روستاییان آن را احاطه کرده‌اند. در کنار بنای این گرما به درخت توت کهنسالی وجود دارد که حدود یک سده عمر دارد. آب مورد نیاز حمام از چشمه‌ای که از ارتفاعات شرق روستا جاری است، تامین می‌شده و با توجه به شیب زمین، آب بر حمام سوار بوده که این امر خود سبب جلوگیری از مانداب ناشی از پس‌آب‌های حمام می‌شده است. این بنا دارای نقشه مربع‌شکل و دارای ابعاد ۱۰ متر در ۱۰ متر است و خوشبختانه بنای گرما به که شامل خزینه در شرق بنا و گرمخانه و حوضچه شستشو در بخش غربی

بنا می‌شود تقریباً سالم مانده است. در بخش غربی در داخل فضایی به ابعاد ۳ متر در ۳ متر در دیوارهای آن طاقنمایی با قوس دایره‌ای ایجاد شده و در مرکز اطاق حوضچه چهارگوشی در کف ساخته شده است. به نظر می‌رسد این حوضچه دارای آب سرد تمیز بوده که استفاده‌کنندگان از گرمابه قبل از حمام و بعد از آن پاهای خود را در این حوضچه شستشو می‌دادند. طاق‌نماها نیز به عنوان محل قرار دادن رخت‌ها و استراحت بعد حمام مورد استفاده قرار می‌گرفته است. ورودی حمام که در غرب بنا واقع است از طریق دالانی با این فضا مرتبط می‌شود. ورودی، کوتاه و کوچک ساخته شده که علت آن، جلوگیری از ورود هوای سرد و هدررفت گرمای حمام بوده است؛ بویژه با توجه به هوای کوهستانی و سرد این منطقه دو فضایی که به آنها اشاره شد، از طریق دو پوشش گنبدی پوشیده شده و برای تامین نور و همچنین تهویه فضای داخل گرمابه در این گنبدها چندین نورگیر تعبیه گردیده است (شکل ۷).

مصالح اصلی در ساخت این گرمابه بوم‌آورد بوده و شامل لاشه‌سنگ و کاهگل است. برای پوشش دیوارهای داخلی نیز ملاط گچ و آهک به کار رفته است. این بنا امروزه متروک و بدون استفاده است.



تصویر شماره ۷: ورودی گرمابه همایون (نگارنده)

گرما به‌های روستایی شهرستان زنجان از منظر قوم‌باستان‌شناسی ❖ ۵۷

گرما به پالتلو: این گرما به در روستای پالتلو بخش قره‌پشتلوی شهرستان زنجان و در میان باغ‌های روستاییان قرار دارد. این بنا از سوی اهالی روستای پالتلو به صورت همیاری ساخته شده است، بنابراین بنای عام‌المنفعه محسوب می‌شود. نقشه گرما به مستطیلی شکل با طول شمالی - جنوبی ۱۶ متر و عرض شرقی - غربی ۷ متر است که دیوارهای قطوری به ضخامت ۱۱۰ سانتیمتر دارد و ورودی کوتاه آن در ضلع شمالی بناست. این حمام دارای سه فضای جداگانه است که به وسیله ورودی‌هایی به هم راه دارند. این فضاها به وسیله طاق‌های گنبدی پوشیده شده‌اند که امروزه این پوشش‌های گنبدی فروریخته‌اند. این حمام از نوع حمام‌هایی با پلان ساده روستایی است، بنابراین بینه و سربینه گرمخانه دارد. بعد از ورود به ساختمان، از شمال اولین فضا محل رخت‌کن و استراحت بعد گرما به است که طاق‌نماهایی برای قرار دادن وسایل حمام و شستشو و نشستن افراد در آن تعبیه شده؛ این طاق‌نماها در در دیواره شرقی و غربی این فضا قرار دارند. از طریق ورودی، این اتاق به فضای گرمخانه و محل شستشو متصل می‌شود و بعد از این اتاق، خزینه گرما به ساخته شده است و در بخش انتهایی این قسمت تون و آتشخانه قرار دارد که محلی برای گرم کردن آب بوده است.

این بنا امروزه در شمال و غرب به خانه‌های تازه‌ساخت روستایی و باغ‌ها و از شرق و جنوب شرقی به بافت قدیمی روستای پالتلو منتهی می‌شود. آب مورد نیاز این گرما به از چشمه آبی که در حدود ۴۰ متری جنوب شرقی بنا واقع است، تامین می‌شده و یکی از دلایلی که این گرما به در حاشیه روستا ساخته شده، به دلیل مسائل بهداشتی بوده است.

مصالح مورد استفاده در این بنا بوم‌آورد و از همان نوع مصالحی است که روستاییان در ساخت سکونتگاه‌های خویش از آن استفاده کرده‌اند. برای ساخت دیوارهای قطور این گرما به از لاشه‌سنگ و ملاط کاهگل بهره برده‌اند که به راحتی در دسترس بوده است. برای پوشش دیوارهای داخلی بنا هم که در معرض رطوبت قرار داشته‌اند، از ملاط گچ و آهک به ضخامت ۲ تا ۳ سانتیمتر و گاهی بیشتر استفاده کرده‌اند (تصویر ۸).



تصویر شماره ۸: نمای شرقی گرمابه مخروبه پالتلو در میان باغ (نگارنده)

گرمابه درگاهی: بنای گرمابه درگاهی در روستای درگاهی بخش قره‌پشتلوی شهرستان مرکزی زنجان و در داخل روستا قرار دارد. این بنا از سوی اهالی روستا به صورت همیاری ساخته شده و بنایی عام‌المنفعه است و از همه طرف به منازل مسکونی روستاییان منتهی می‌شود و دارای پلان و نقشه مربع‌شکل به ابعاد ۱۰ متر در ۱۰ متر است که در شیب منتهی به مسیل آب به ارتفاع حدود ۳ متر قرار دارد. در حال حاضر بخش‌های زیادی از جمله درب ورودی و بخش‌های دیگر این بنا تخریب گردیده، به طوری که ورودی آن کاملاً بسته شده است و امروزه دسترسی به فضاهای داخلی تقریباً امکان‌پذیر نیست. با توجه به اینکه آثار پوشش اندود سیمانی در روی پوشش‌های گنبدی سقف وجود دارد، به نظر می‌رسد فروریختگی و متروک شدن این گرمابه مربوط به ۱۵-۱۰ سال اخیر باشد. مشاهده بخش‌های داخلی حمام از نورگیرهای سقف گنبدی ممکن است. این گرمابه دارای بینه و سربینه و گرمخانه و تون یا آتشیخانه بوده است. به گفته یکی از اهالی، رختکن گرمابه در جنوب بنا و خزینه و گرمخانه در شمال بنا قرار داشته است.

گرما به‌های روستایی شهرستان زنجان از منظر قوم‌باستان‌شناسی ❖ ۵۹

آب مورد نیاز گرما به از چشمه‌ای که در حدود ۳۰۰ متری شمال روستا قرار دارد، تامین می‌شده که آب مورد نیاز از طریق جوی‌هایی تا محل گرما به انتقال می‌یافته است. این بنا امروزه به صورت متروک و نیمه‌ویرانه رها شده و بخشی از آن به عنوان آغل و محل نگهداری دام‌های روستاییان و بخش دیگر به صورت آشغال‌دانی درآمده است.

گرما به کهنه قشلاق: روستای کهنه قشلاق یا قشلاق قدیم در بخش قره‌پشتلوی بالای شهرستان زنجان و در حدود ۲ کیلومتری روستای تازه تاسیس قشلاق جدید قرار دارد. در این روستا که امروزه به علت جابه‌جایی اهالی به محل جدید برای دسترسی به امکانات و خدمات‌رسانی متروک شده است، حمامی وجود دارد. این گرما به دارای معماری ساده و ابتدایی با پلان مستطیل شکل به ابعاد طول شمالی - جنوبی ۱۶ متر و عرض شرقی - غربی ۸ متر است و شامل بینه و سرینه، رختکن و گرمخانه و خزینه می‌شود. دسترسی به فضاهای پیشگفته از طریق درب ورودی که در جنوب بنا قرار دارد، امکان‌پذیر بود که به نظر می‌رسد بعد از جابه‌جایی روستا ویران شده است. فضاهای این گرما به شامل چهار اتاقک کوچک با پوشش گنبدی هستند که با درب‌های کوچکی با طاق قوسی، با سه پله به هم مرتبط می‌شدند. دو تا از این فضاها به عنوان گرمخانه و محل شستشو کاربرد داشته‌اند. آتشیخانه و تون حمام امروزه تخریب شده است و اثری از آن نیست. معمار برای جلوگیری از ورود هوای سرد به داخل این فضاها و هدر رفتن گرما، در ورودی‌ها را کوچک ساخته و علاوه بر این برای تامین نور داخل حمام و تهویه هوای آن دریچه‌ها و سوراخ‌هایی در گنبد تعبیه کرده است که بر اثر فروریختن پوشش‌های گنبدی از بین رفته‌اند. مصالحی که در ساخت بنا به کار رفته، بوم‌آورد بوده و از خود محل تامین می‌شده است؛ به طوری که در ساخت دیواره از لاشه‌سنگ با ملاط گچ و برای پوشش دیوارها و نمای داخلی گرما به که در معرض رطوبت دائمی قرار داشته‌اند، از اندود گچ و آهک استفاده شده است.

آب مورد نیاز این گرما به از چشمه قره‌گول^۱ که در حدود ۴۰۰ متری قزل‌گول شمال گرما به واقع است و به وسیله کانال و جوی آبی به گرما به منتقل می‌شده، تامین

۶۰ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

می‌گردیده است. علاوه بر این، چاهی در چند متری غرب بنا وجود دارد که به نظر می‌رسد در زمان‌هایی که آب چشمه کم می‌شده است، از این چاه برای تامین آب مورد نیاز گرمابه و خزینه آن استفاده می‌کرده‌اند. گرمابه در شیبی ملایم منتهی به دره و در پایین دست چشمه قزل‌گول بنا شده و جریان آب چشمه بر حمام سوار بوده است. ضمن آنکه این شیب، مانع از جمع شدن پساب‌های ناشی از شستشو در داخل گرمابه می‌شده و آب تمیز هموار در دسترس بوده است.

گرمابه مشکین: این بنا در داخل روستای مشکین بخش قره‌پشتلوی شهرستان زنجان قرار دارد و از جنوب به راه خاکی روستا و از جوانب دیگر به منازل مسکونی روستائیان منتهی می‌شود. حمام تازه‌ساخت روستا در شرق این بنا قرار دارد. از نظر معماری این بنا نیز دارای بینه و سربینه و خزینه و آتشخانه بوده که بیشتر بخش‌های آن امروزه تخریب شده و تنها بخشی از پوشش گنبدی و جرزها و ورودی این بخش با قوس ضربی آن باقی مانده است.

آب مورد نیاز این گرمابه در زمان آبادانی از چشمه قلعه‌بولاغی که در فاصله ۲۰۰ متری آن واقع شده تامین می‌گردیده است.

مصالح دیوارهای باقی مانده، بوم‌آورد بوده و شامل لاشه و قلوه سنگ با ملاط گچ می‌شده است. برای پوشش بخش‌های داخلی نیز از ملاط گچ و آهک استفاده شده است. از آجر تنها در پوشش گنبدی استفاده شده که احتمالاً به دلیل سبکی آجر نسبت به لاشه‌سنگ بوده است.

گرمابه داش‌تپه: این بنا در روستای داش‌تپه بخش قره‌پشتلوی شهرستان زنجان و در میان منازل مسکونی آن قرار دارد. این بنا از نوع بناهای عام‌المنفعه است که با همیاری و همت جمعیت اهالی روستای داش‌تپه برای نیازهای بهداشتی ساخته شده است. بنا مستطیلی‌شکل و دارای ابعاد شرقی - غربی ۱۰ متر و شمالی - جنوبی ۷ متر است. این بنا از جنوب به رودخانه داشلی‌گویی و در سایر جهتها به منازل روستایی محدود می‌شود.

فضاهای آن شامل بینه، سربینه، خزینه، گرمخانه و آتشخانه بوده است و تمامی این چهار فضا پایین‌تر از سطح زمین ساخته شده‌اند. امروزه از این فضاها به عنوان انبار

گرما به‌های روستایی شهرستان زنجان از منظر قوم‌باستان‌شناسی ❖ ۶۱

علوفه استفاده می‌شود. مصالح اصلی ساخت این بنا بوم‌آورد بوده و شامل لاشه و قلوه‌سنگ و کاهگل است که از گچ و آهک برای پوشش نمای داخلی که در معرض رطوبت قرار داشته است، استفاده کرده‌اند. همچنین در بالای پوشش گنبدها دریچه‌هایی برای تامین نور فضای داخل حمام و تهویه هوا ایجاد شده است. درب‌های وردی و ارتباطی این فضاها به همدیگر کوتاه ساخته شده که متاثر از شرایط آب و هوای منطقه بوده است (تصویر ۹).

آب مورد نیاز این گرما به از طریق کانال و آبراهه‌ای انحرافی از بالادست رودخانه داشلی‌گوینی^۱ تامین می‌شده و کاملاً جریان آب بر گرما به سوار بوده است. همین امر موجب می‌شده است پس‌آب‌های ناشی از شستشو به بیرون فضای گرما به منتقل شود و مانع از گسترش بیماری‌ها و بوی بد ناشی از آن گردد.



تصویر شماره ۹: نمایی از پوشش گنبدی گرما به داش تپه و شیوه خشک کردن سوخت (نگارنده)

جدول شماره ۱: گرمابه‌های مورد مطالعه روستایی شهرستان زنجان

ردیف	نام بنا	موقعیت جغرافیایی		ارتفاع از سطح دریا (متر)	مالکیت	محل قرار گیری
		عرض	طول			
۱	گرمابه یحیی‌آباد	N36°42' 51.4"	E048° 59' 21.9"	۱۵۵۹	عام‌المنفعه	روستای یحیی‌آباد - بخش بناب
۲	گرمابه قلعه	N36°48' 19.3"	E048° 47' 13.4"	۱۹۹۵	عام‌المنفعه	روستای قلعه - بخش بناب
۳	گرمابه دیزج‌آباد	N36°37' 36.3"	E048° 35' 47.4"	۱۷۰۳	عام‌المنفعه	روستای دیزج‌آباد - بخش بناب
۴	گرمابه طاهرآباد	N36° 49' 10.3"	E048° 28' 41.9"	۲۰۶۸	عام‌المنفعه	روستای طاهرآباد - بخش تهم
۵	گرمابه گلپرود	N36° 48' 53.97"	E048° 30' 12.35"	۱۹۷۴	عام‌المنفعه	روستای گلپرود - بخش تهم
۶	گرمابه همایون	N36°45' 09.50"	E048°29' 18.20"	۱۸۸۶	عام‌المنفعه	روستای همایون - بخش تهم
۷	گرمابه پالتلو	N36°47' 28.5"	E048° 27' 07.2"	۱۷۸۵	عام‌المنفعه	روستای همایون - بخش قره‌پشتلو
۸	گرمابه درگاهی	N36° 53' 55.8"	E048° 31' 45.3"	۲۲۴۲	عام‌المنفعه	روستای درگاهی - بخش قره‌پشتلو
۹	گرمابه کهنه‌قشلاق	N36° 55' 14.7"	E048° 18' 50.3"	۱۷۲۸	عام‌المنفعه	روستای کهنه‌قشلاق - بخش قره‌پشتلو بالا
۱۰	گرمابه مشکین	N37° 01' 03.3"	E048° 22' 40.9"	۲۱۰۳	عام‌المنفعه	روستای مشکین - بخش قره‌پشتلو بالا
۱۱	گرمابه داش‌تپه	N37° 02' 18.2"	E048° 18' 35.5"	۱۹۷۷	عام‌المنفعه	روستای داش‌تپه - بخش قره‌پشتلو

(نگارنده)

معماری گرمابه‌ها

این گرمابه‌ها از نظر معماری دارای ارزش فراوانی هستند، زیرا کاربری آنها بیشتر از هر چیزی مورد نظر بوده و کمتر به مسائل جانبی و تجملاتی در این بناها پرداخته شده است. از این منظر می‌توان سیر تحول گرمابه‌ها را در آن مشاهده کرد، زیرا بنای این گرمابه‌ها ساده و ابتدایی بوده است و از امکاناتی که در اختیار داشته‌اند، حداکثر استفاده را کرده‌اند. همه این گرمابه‌ها از یک نقشه و پلان پیروی کرده‌اند که آن عبارت است از

گرما به‌های روستایی شهرستان زنجان از منظر قوم‌باستان‌شناسی ❖ ۶۳

یک ورودی که با سه پله بلند به بینه و رختکن متصل می‌شود و بعد آن، اتاق گرمخانه و شستشو قرار دارد که در اطراف آنها طاقماهایی با سکو برای نشستن استفاده‌کنندگان است و در انتها نیز خزینه قرار دارد. معمولاً در این بناها تون و آتشخانه حمام چسبیده به حمام و به صورت مجزا از سایر بخش‌ها ساخته می‌شد. گرما به‌های مورد مطالعه بیشتر در حاشیه و پایین دست روستا ایجاد شده بود که معمار و بناهای محلی در مکان‌یابی آنها مسائل بهداشتی را در نظر داشته‌اند؛ به طوری که این بناها که در شیب‌ها ساخته شده بودند، علاوه بر اینکه انتقال آب چشمه یا رودخانه به آنها به سهولت ممکن بوده، به انتقال پساب‌ها به بیرون از آن نیز کمک می‌کرده است. ضمن آنکه پایین بودن این بناها نسبت به بناهای دیگر، موجب گرم ماندن فضای داخلی آنها در زمستان‌های سرد منطقه، می‌شده است. بویژه آنکه ورودی این بنا در ضلع جنوبی آن تعبیه می‌شد و همین امر از هجوم باد سرد محلی به نام مه - که از شمال به جنوب می‌وزد - به داخل فضا جلوگیری می‌کرد. هزینه نگهداری و تعمیر و لایروبی و تعمیر کانال آبرسانی و تعویض آب خزینه در صورت نیاز از سوی اهالی به صورت همیاری جمع‌آوری می‌شد و با کارجمعی صورت می‌گرفت. دستمزد استفاده از گرما به و سرایدار آن که خود یکی از ساکنان روستا بود، اغلب بعد از برداشت محصولات کشاورزی و در اواخر تابستان پرداخت می‌شد.

تهیه سوخت

سوخت مورد نیاز برای گرم کردن آب حمام شامل هیزم (که معمولاً از باغات و درختان خشک تهیه می‌شد)، بوته‌های صحرایی و فضولات حیوانی (تاپاله گاو) بود. معمولاً در فصل تابستان و پاییز سوخت مورد نیاز برای استفاده در آتشخانه و تون حمام برای طول سال جمع‌آوری و آماده و انبار می‌شد. تهیه سوخت گرما به به صورت همیاری صورت می‌گرفت. در این نوع همیاری که انگیزه آن هم نفع عمومی و هم نفع شخصی بود، روستاییان بر اساس سنتی قدیمی، زمان آن را اعلام می‌کردند (هر چند

۶۴ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

کدخدا و ریش سفیدان زمان آن را از قبل به اطلاع روستاییان می‌رساندند^۱: هر ساله در روزهای معینی، همه خانوارهای آبادی موظف بودند به صورت دسته‌جمعی فضولات حیوانی را جمع‌آوری کنند و سپس با آب و کاه و کلش گندم مخلوط نمایند و به صورت قرص‌های دایره‌ای شکل درآورند و مقابل آفتاب خشک کنند. یکی از دلایل اینکه این قطعات را به صورت قرص دایره‌ای شکل درمی‌آوردند، انبار کردن راحت‌تر آنها بوده است.

شیفت یا نوبت‌بندی

از آنجا که این گرمابه‌ها فاقد بخش زنانه بودند، آن را نوبتی می‌کردند؛ به این ترتیب که ظهر و عصر به آقایان و صبح‌ها به بانوان اختصاص داشت. معمولاً شیفت ظهر تا عصر به آقایان اختصاص داشت تا بعد از این شیفت در طی شب آب خزینه سرد شود. بنابراین معمولاً حمام رفتن آقایان بعد از شیفت خانم‌ها صورت می‌گرفت.

آیین‌های مرتبط با حمام

حمام حنابندان: حنابندان معمولاً در شب چهارشنبه که فراداش مراسم عروسی برگزار می‌شد، صورت می‌گرفت. عصر چهارشنبه گرمابه را قرق می‌کردند و زنان و دختران طرف داماد و عروس در این مراسم شرکت می‌نمودند، عروس بعد از مدعوین به حمام می‌آمد. در این هنگام فامیل‌های داماد اطراف عروس را می‌گرفتند و از پله‌های گرمابه به داخل می‌آوردند و در حین پایین آمدن در روی هر پله گردویی قرار می‌دادند که عروس پا روی آن می‌گذاشت تا بشکند که تعداد این گردوها سه عدد می‌شد که برابر تعداد پله‌های حمام بود. یکی از زنان که خبره و با تجربه‌تر بود، در امر شستشو به عروس کمک می‌کرد و پس از پایان یافتن حمام، لباس‌های سفید و نو را به عروس

۱. هر یک از اعضای روستا به صورت متقابل بر کار یکدیگر نظارت می‌کرد و در صورت تخلف و عدم شرکت هر کدام از اعضا، بدون وقفه به محاکمه و تنبیه فرد متخلف می‌پرداختند، هر چند با توجه به محیط اجتماعی روستا، تخلفات در این همیاری و کارجمعی به ندرت اتفاق می‌افتاد.

گرما به‌های روستایی شهرستان زنجان از منظر قوم‌باستان‌شناسی ❖ ۶۵

می‌پوشاندند و دسته‌جمعی به خانه پدر عروس می‌رفتند تا مراسم حنابندان را اجرا کنند. (علی‌لو، ۱۳۹۶: ۳۶۹)

حمام دامادی: مراسمی بود که در زنجان و سایر شهرهای ایران قبل از مراسم عروسی با تشریفات خاصی برگزار می‌شد؛ بدین صورت که یک روز قبل از مراسم عروسی، داماد به همراه نزدیکانش - البته در این مراسم نزدیکان عروس حضور نداشتند - برای شستشو و حمام و کوتاه کردن موی سر و زدن یا کوتاه کردن ریش به حمام می‌رفتند. در این مراسم نیز مدعوین در حمام با شربت و کلوچه و غیره پذیرایی می‌شدند. بعد از پایان حمام دامادی، لباس‌های نو را بر داماد می‌پوشاندند. معمولاً در زنجان مراسم عروسی دو روز طول می‌کشید که یکی در خانه داماد انجام می‌گرفت و یکی در خانه پدر عروس. می‌توان گفت که این مراسم در واقع آماده کردن داماد و عروس برای زندگی تازه بوده است.

حمام زایمان: این مراسم ده روز پس از تولد نوزاد انجام می‌گرفت. در این هنگام تعدادی از فامیل‌ها و نزدیکان، مادر و نوزاد را همراهی می‌کردند. هنگام پایین آمدن زائو از پله‌های حمام، پیازی که چاقویی را در آن فرو کرده بودند، زیر پای او قرار می‌دادند. این پیاز از روز تولد نوزاد در زیر بالش مادر و نوزاد قرار داده شده بود معمولاً یکی از نزدیکان مسئولیت آوردن نوزاد به گرما به را به عهده داشته و شستشو و حمام مادر توسط قابله و یکی از زنان باتجربه صورت می‌گرفته است. بعد حمام نیز اطرافیان با شیرینی و شربت پذیرایی می‌شدند.

مراسم حمام چله (حمام چله) و (تیغ زدن): وقتی نوزاد چهل روز را پشت سر می‌گذاشت، او را به چله توکمه حمام چله^۱ می‌بردند. در این مراسم، نوزاد را همراه مادرش به حمام می‌بردند تا پس از استحمام، قابله بیچه مراسم چتیر ماخ^۲ را اجرا کند.

۱. در گذشته اگر دو نوزاد در یک روز به دنیا می‌آمدند معمولاً مادران آنها به عنوان چله‌بری هر کدام به نوزاد دیگری چند روز شیر می‌داد تا به اصطلاح چله‌بر (چله توکمه: *ila Tokma*) شود؛ زیرا معتقد بودند اگر چله‌بر نشوند، ممکن است چله گیر شوند و نوزادان جان خود را از دست بدهند. البته این موضوع در گذشته به این دلیل بوده که مرگ و میر در میان نوزادان در دو ماه اول بسیار رواج داشته است. امروزه دیگر این موضوع تقریباً فراموش شده است. (علی‌لو، ۱۳۹۶: ۳۷۲)

۲. *atirmax* : تیغ زدن

۶۶ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

این مراسم به این صورت بود که بعد شستن و استحمام نوزاد، قابله با یک تیغ که به آن الگوچ می‌گفتند سه تا خراش در میان کتف‌ها، سه تا خراش در هر شانه و سه تا خراش در لاله گوش و ۳ تا خراش در هر باسن، ۳ تا خراش بر روی هر کدام از پشت ساق پاها و ۳ تا خراش بر هر پاشنه پای نوزاد ایجاد می‌کرد و سپس جای خراش‌ها حنا می‌مالیدند. با این خراش‌ها معتقد بودند که خون کثیف از بدن بچه خارج خواهد شد.

طب سنتی: در گذشته بیشتر درمان‌ها و حجامت در داخل گرمابه‌ها انجام می‌گرفت، معالجاتی برای دردهای جسمانی و روحی از قبیل بستن ضماد تخم‌مرغ و کوبیده نخود و قهوه بر سر برای تقویت مو؛ و جدا کردن قرص کمر که برای جلوگیری از سقط جنین چسبانیده‌اند (در طب سنتی برای زنانی که دچار سقط جنین می‌شدند، استفاده می‌شده است)، همچنین خیساندن زخم و کهنه جراحات در آب حمام و زدودن ثبور و دمل و غیره در آب گرم، زیرا آب گرم حمام سبب باز شدن منافذ زخم یا دمل چرکینی می‌شد که خشک شده بود یا گرفتن چربی روی آب خزینه حمام برای خوراندن به زن تازه‌زا و برای درمان مریضی که دچار سینه‌درد شده بود. کشیدن دندان، عمل بادکش پشت و پهلو و حجامت و رگ زدن و آب ناف گرفتن و روغن مومیایی به بدن مالیدن و زرده تخم‌مرغ در کیسه انداختن برای درمان مشکلات زنانه نیز در حمام صورت می‌گرفت. (همان: ۳۷۱ - ۳۷۲). البته نقد جدی درخصوص گرمابه‌های سنتی گذشته وجود دارد که بازتاب آن را در کتب تاریخی و به‌ویژه سفرنامه‌ها می‌توان مشاهده نمود.

وضعیت گرمابه و حمام‌ها: اعتمادالسلطنه در سال ۱۲۹۲ق/ ۱۸۴۵م درباره حمام‌های این دوران نوشته است: نقطه‌ای از نقاط ارض را به این کثافت ندیده بودم... آب خزانه مضاف بود؛ چرا که غلیظ و عفن شده بود. خود را با آب سرد شستم و با کمال کثافت بیرون آمدم. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۸۵: ۳)

خزینه‌ها از نظر بهداشتی و امنیتی^۱ بسیار خطرناک بودند، زیرا آب برای مدتی طولانی راکد باقی می‌ماند و همچنین وجود چرک و کثافت در آن سبب می‌شد که تغییر رنگ و بو بدهد، به طوری که آب آن بوی تعفن می‌داد. لذا خود موجب شیوع بیماری‌های فراوان لاعلاج پوستی و مسری مانند کچلی و زخم‌های پوستی می‌شد. به طوری که *زین‌العابدین مراغه‌ای* در *سیاحت‌نامه ابراهیم‌بیگ* درباره یکی از این حمام‌ها در سال ۱۳۲۱ قمری می‌نویسد: ... وقتی که به حمام داخل شدیم، بوی گنداب از دور نزدیک بود خفهام کند. گودالی را آب متعفن انباشته، نامش را خزینه گذاشته‌اند. آب آن از بسیاری کثافت رنگ پر طاووسی گرفته، بوی بدش مغز آدمی را پریشان می‌کرد. به اندک تاملی معلوم می‌شد که منشاء هرگونه امراض مسریه همین گنداب است که کور و کچل و زخمی یک شهر بدون استثناء، شب و روز از مرد و زن، به میان این مشتی آب گندیده سه ماهه داخل می‌شوند. در حقیقت خیلی تعجب کردم که احدی... به معایب و مفاسد متولده از این گنداب‌ها آگاهی نیافته... به اعتقاد بنده، هرکس بدان آب پاک بگوید، به شریعت مطهر اهانت کرده، چه شارع مقدس، ما را به نظافت امر فرموده، در حمام‌های سایر بلاد اسلامی مانند مصر و ممالک عثمانی آب غسل محفوظ و جاری از شیر است که شخص از یک طرف غسل می‌کند و از طرف دیگر هم از شیر، آب سرد که در نهایت صافی و براقی است گرفته، می‌خورد. به هر حال به حمام پاک رفته و ناپاک بیرون آمدیم... بعد از آن به خانه آمدیم گفتم ... سماور را آتش کرده بیاورند... به هر حال آب گرم کرده، دوباره بدن را شسته و لباس عوض نموده و با خود عهد کردم در ایران به حمام نروم. بعد آن به زیارت امام ثامن که منتهای آمال و آرزویم بود، به راه افتادیم. (مراغه‌ای، ۱۳۹۳: ۵۲-۵۳)

۱. باور حضور اجنه به دلیل استفاده از چراغ‌های موشی در گرمخانه حمام‌ها بود زیرا سوختن روغن با دود فراوان و غلیظی همراه بود که با بخار آب فضا در هم می‌آمیخت و هوایی گرفته و خفه ایجاد می‌کرد و تصاویر موهوم از حرکت بخار آب و دود به چشم می‌خورد و موجب توهمات چون حضور اجنه در حمام می‌گردید. در این زمینه خرافات و داستان‌های زیادی از حضور اجنه در حمام، عروسی آنها در حمام و اذیت کردن انسان‌ها در افراد شایع بود. (ادیب، ۱۳۸۴: ۹۷)

جمع بندی

حمام در ایران سابقه و تاریخی طولانی داشته است و بنا بر شواهد تاریخی، پاک‌ی و طهارت علاوه بر جنبه پاکیزگی تن، جنبه معنوی نیز داشت، چنانچه در مذاهب ایرانی بر هر دو جنبه آن تاکید شده، از این رو این آیین در مراسم عبادی جایگاهی والا داشته است.

به همین مناسبت در شهرها، حکام و مردم به فراخور اوضاع اقتصادی دست به ایجاد گرمابه و حمام‌ها زده‌اند. برعکس شهرها که عموماً حمام و گرمابه‌ها از سوی اشخاص با نفوذ و گاه خیر ساخته می‌شدند و اغلب از نظر معماری و ساختمانی از بهترین مصالح و شیوه‌های مهندسی و تزئیناتی زمانه خود بهره می‌بردند که علاوه بر جنبه بهداشتی جنبه هنری و تبلیغی و غیره نیز داشته‌اند، در روستاها از مصالح بوم‌آورد و معماری ساده و بی‌پیرایه در ساخت و ایجاد آنها استفاده شده و صرفاً کاربری و استفاده از آن از سوی ساکنان مد نظر بوده و فاقد پیچیدگی و سایر جنبه‌های معماری گرمابه‌های شهری بوده است. بنابراین این گرمابه‌ها، تنها به عنوان مکانی برای تطهیر و پاک‌شدن در نظر گرفته می‌شده است. از طرف دیگر با نگاهی به گرمابه‌های مورد بررسی مشخص می‌شود ساخت این گرمابه‌ها نشئت گرفته از باورها و اعتقادات مذهبی مردمانی است که این گرمابه‌ها را ایجاد کرده‌اند. در نظر اول می‌توان تشابه ظاهری میان این گرمابه‌ها را - بویژه از نظر قرارگیری فضاها (ورودی بینه سرینه و خزینه) - با معبد و مهرابه و رجوی مراغه که مربوط به آیین مهری بوده است، مشاهده کرد. علاوه بر اعتقادات و باورها، آیین‌ها و مراسم خاصی نیز وجود داشته که در گرمابه‌ها برگزار می‌شده است؛ از جمله حمام حنابندان، حمام دامادی، حمام زائو، چله توکمه، چتیرماخ کردن بیچه‌ها، و درمان بیماری‌ها از سوی طبیبان سنتی و روستایی.

از نظر معماری، این گرمابه‌ها بسیار ساده و ابتدایی و دارای پلان ساده‌ای بودند که سازندگان آنها را بنایان و معماران محلی و اهالی تشکیل می‌دادند. با توجه به بافت روستاهایی که این حمام‌ها در آنها واقع شده‌اند و اغلب دارای شیوه معیشتی دامداری - کشاورزی‌اند و دارای بافت متراکم در شیب‌های نواحی کوهستانی هستند، این گرمابه‌ها در حاشیه و پایین دست روستاها بنا شده‌اند و ساختمان آنها در داخل زمین ایجاد شده و

گرما به‌های روستایی شهرستان زنجان از منظر قوم‌باستان‌شناسی ❖ ۶۹

سطح آنها از سطح خانه‌های روستاییان پایین‌تر است که این امر به دلیل سوار شدن آب چشمه‌ها بر خزینه و انتقال پساب‌های ناشی از شستشو به فضای بیرون و جلوگیری از هدررفت گرما بوده است. همچنین در نزدیکی برخی از این گرما به‌ها بنای امامزاده و گورستان روستا قرار داشته است که نشان‌دهنده اهمیت هر دو وجه طهارت جسمانی و پالایش معنوی و روانی نزد اهالی روستاست. همچنین مراسم غسل میت که با آداب ویژه شرعی همراه بوده نیز در برخی از این بناها انجام می‌شده است. هرچند در اوایل این قرن حمام‌های نمره و دوشی جایگزین حمام‌های خزینه‌ای شدند، ولی در گرما به‌های مورد مطالعه، همچنان استفاده از خزینه تا همین اواخر رواج داشته است و با گسترش بهداشت به روستا در چند دهه اخیر این بناها متروک می‌شوند و در شرف ویرانی قرار می‌گیرند و به عنوان انباری و زاغه دام‌های اهالی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

منابع

- ادیب، عباس (۱۳۸۴). از مکتب‌خانه تا دانشگاه. اصفهان: دانشگاه علوم پزشکی اصفهان.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان صنایع‌الدوله (۱۳۸۵). روزنامه‌ی خاطرات. به کوشش ایرج افشار. تهران: امیرکبیر.
- برومبِرْه، کریستیان (۱۳۷۰). مسکن و معماری در جامعه روستایی گیلان. ترجمه علاءالدین گوشه‌گیر. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- پیگلسکایا (۱۳۷۲). شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان. ترجمه عنایت‌الله رضا. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- تجویدی، اکبر (۲۵۳۵). دانستنی‌های نوین درباره باستان‌شناسی و هنر عصر هخامنشی بر پایه کاوش‌های تخت جمشید. تهران: اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر.
- حاج ابراهیم زرگر، اکبر (۱۳۸۸). درآمدی بر شناخت معماری روستایی ایران. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

۷۰ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

- حسینی ابری، سید حسن (۱۳۸۰). مدخلی بر جغرافیای روستایی ایران. اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
- خسروی، خسرو (۱۳۵۸). جامعه‌شناسی روستایی ایران. تهران: انتشارات پیام.
- رشیدالدین فضل‌الله بن عمادالدوله ابوالخیر (۱۹۴۰). تاریخ مبارک غازانی، به کوشش کارل یان. هرتفورد – انگلستان: مطبعه ستفن اوستین.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۳). تاریخ طبری (تاریخ الرسل و الملوک). ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: انتشارات اساطیر.
- علی‌لو، سارا (۱۳۹۶). «فرهنگ و آداب حمام رفتن بانوان زنجان در دوره قاجار»، سرو سیمین: یادنامه دکتر سیمین دانشور. به کوشش شاهین آریامنش (صص ۳۶۱-۳۸۳). تهران: انتشارات پژوهشگاه میراث فرهنگی.
- فخاری تهرانی، فرهاد (۱۳۷۹). «حمام‌ها در نظرگاه زمان». مجله صنفه. سال دهم، شماره ۳۰، صص ۹۴-۱۰۵.
- قرشی، محمد ابن احمد (۱۳۶۷). آیین شهرداری در قرن هفتم هجری. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- مراغهای، زین‌العابدین (۱۳۹۳). سیاحت‌نامه ابراهیم‌پیگ. به کوشش سپانلو، محمدعلی. تهران: انتشارات آگه.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۱۳۷۸). مروج الذهب و معادن الجواهر. ج ۱، ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- منجزی، علی‌اصغر (۱۳۸۴). پژوهشی در کیش زرتشت. تهران: انتشارات زمزم هدایت.
- نوراللهی، علی (۱۳۸۹). مستندسازی و کاوش نجات‌بخشی آثار باستانی و تاریخی روستای تشویر شهرستان طارم استان زنجان. زنجان: آرشیو میراث فرهنگی استان زنجان.
- ورجاوند، پرویز (۱۳۵۱). «نیایش‌گاه مهری یا امامزاده معصوم ورجوی». مجله بررسی‌های تاریخی. سال ۷. شماره ۵. صص ۹۲-۱۰۰.